



Political Sociology of Generation Z: Transformation of the Political Culture of the New Generation

Sahar Sadat Sajadian¹

Abstract

Generational change is one of the key themes in contemporary political sociology and plays a decisive role in understanding shifts in political behavior and patterns of public participation. Generation Z, as the most recent socially and politically active cohort, exhibits distinctive characteristics in the field of political culture. This generation is less committed to grand political ideologies and instead places greater emphasis on concrete issues, social justice, governance efficiency, and quality of life. The aim of this article is to provide a sociological analysis of Generation Z's political culture and to explain the factors contributing to its transformation. The research employs a descriptive-analytical method and is grounded in the theoretical frameworks of political culture theory, generational theory, and value change theory. The main research question is: What are the characteristics of Generation Z's political culture, and how does it differ from previous generations? The findings indicate that Generation Z possesses a participatory-critical, issue-oriented, and performance-driven political culture, evaluating political legitimacy primarily based on efficiency, justice, and accountability. This transformation may have significant implications for the future of political systems and governance models.

Keywords: Generation Z, political culture, political sociology, generational change, political participation, political values

¹ PhD student in Political Sociology, Qom, Iran. Sajjadian.sahar@yahoo.com



جامعه‌شناسی سیاسی نسل Z: تحول فرهنگ سیاسی نسل جدید

سحر سادات سجادیان^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۲۰

چکیده

تحول نسل‌ها یکی از محورهای مهم در جامعه‌شناسی سیاسی معاصر است که نقش تعیین‌کننده‌ای در فهم تغییرات رفتار سیاسی و الگوهای مشارکت عمومی دارد. نسل Z به عنوان جدیدترین نسل فعال در عرصه اجتماعی و سیاسی، دارای ویژگی‌های متمایزی در حوزه فرهنگ سیاسی است. این نسل بیش از آنکه به ایدئولوژی‌های کلان سیاسی وفادار باشد، به مسائل عینی، عدالت اجتماعی، کارآمدی حکمرانی و کیفیت زندگی توجه دارد. هدف این مقاله تحلیل جامعه‌شناختی فرهنگ سیاسی نسل Z و تبیین عوامل مؤثر بر تحول آن است. روش پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر چارچوب نظری فرهنگ سیاسی، نظریه نسل‌ها و نظریه تغییر ارزش‌ها است. پرسش اصلی پژوهش این است که: فرهنگ سیاسی نسل Z چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه از نسل‌های پیشین متمایز می‌شود؟

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که نسل Z دارای فرهنگ سیاسی مشارکتی-انتقادی، مسئله‌محور و عملکردگرا است و مشروعیت سیاسی را بیش از هر چیز بر اساس کارآمدی، عدالت و پاسخگویی ارزیابی می‌کند. این تحول می‌تواند پیامدهای مهمی برای آینده نظام‌های سیاسی و الگوهای حکمرانی داشته باشد.

واژگان کلیدی: نسل Z، فرهنگ سیاسی، جامعه‌شناسی سیاسی، تحول نسلی، مشارکت سیاسی، ارزش‌های سیاسی.

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی قم، قم، ایران.

۱. مقدمه

مطالعه تغییرات نسلی در حوزه سیاست یکی از موضوعات محوری جامعه‌شناسی سیاسی معاصر است. هر نسل در بستر شرایط تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی خاصی شکل می‌گیرد و به همین دلیل، نگرش‌ها و رفتارهای سیاسی متفاوتی نسبت به نسل‌های دیگر دارد. در این میان، نسل Z به عنوان نسلی که در آغاز قرن بیست‌ویکم وارد عرصه اجتماعی و سیاسی شده است، توجه ویژه‌ای را در ادبیات علمی به خود اختصاص داده است.

نسل Z نه تنها از نظر سبک زندگی، بلکه از منظر نگرش سیاسی، نوع مشارکت اجتماعی و درک از رابطه دولت و جامعه دارای ویژگی‌های متمایزی است. برخلاف نسل‌های پیشین که غالباً وفاداری‌های سیاسی پایدارتر و ایدئولوژیک‌تری داشتند، این نسل بیشتر با رویکردی عمل‌گرایانه و مسئله‌محور به سیاست نگاه می‌کند.

این تغییرات پرسش‌های مهمی را در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی مطرح می‌کند. مهم‌ترین پرسش این پژوهش عبارت است از: فرهنگ سیاسی نسل Z چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه با نسل‌های پیشین متفاوت است؟

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است. داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و مبتنی بر منابع معتبر علوم سیاسی و جامعه‌شناسی سیاسی گردآوری شده‌اند. روش تحلیل بر مبنای سه چارچوب نظری اصلی (آلموند و وربا، اینگلهارت و مانهایم) انجام شده است تا بتوان ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی نسل Z را تبیین کرد.

۲. چارچوب نظری

۲-۱. نظریه فرهنگ سیاسی آلموند و وربا

آلموند و وربا فرهنگ سیاسی را مجموعه‌ای از نگرش‌ها، ارزش‌ها و جهت‌گیری‌های افراد نسبت به نظام سیاسی تعریف می‌کنند (Almond & Verba, 1963).

آلموند و وربا با تکیه بر سه نوع جهت‌گیری یا ایستار نسبت به نظام سیاسی، سه الگوی اصلی فرهنگ سیاسی را متمایز می‌کنند:

۲-۱-۱ فرهنگ سیاسی محدود (یا بسته)

در این نوع فرهنگ سیاسی، سطح آگاهی، انتظار و مشارکت سیاسی افراد در حد بسیار پایینی قرار دارد و عملاً به صفر نزدیک است. در چنین جوامعی، نقش‌های سیاسی تخصصی و تفکیک‌شده شکل نگرفته و افراد اساساً انتظاری از کارکرد نظام سیاسی برای ایجاد تغییر ندارند. به بیان دیگر، شهروندان نسبت به نظام سیاسی بی تفاوت بوده و خود را در فرآیندهای سیاسی مؤثر نمی‌دانند.

در این وضعیت، نه پیوند عاطفی و شناختی معناداری میان افراد و نهادهای سیاسی وجود دارد و نه تصویر روشنی از ساختار سیاسی در ذهن جامعه شکل گرفته است. اگرچه ممکن است در سطح محلی نوعی مشارکت محدود وجود داشته باشد، اما این مشارکت به سطح کلان سیاست و دولت تعمیم نمی‌یابد. بنابراین مفاهیمی مانند منافع ملی، توسعه ملی و امنیت ملی در این نوع فرهنگ سیاسی جایگاه برجسته‌ای ندارند (قوام، ۱۳۸۲: ۷۲).

۲-۱-۲ فرهنگ سیاسی تبعی (انفعالی)

در فرهنگ سیاسی تبعی، افراد نسبت به نظام سیاسی و خروجی‌های آن آگاه هستند و ممکن است نسبت به آن احساس رضایت یا نارضایتی داشته باشند، اما نقش فعالی در شکل‌دهی به ورودی‌های نظام سیاسی ندارند. به عبارت دیگر، آگاهی از «نظام سیاسی» و «تصمیمات آن» وجود دارد، اما کنشگری سیاسی در سطح پایین باقی می‌ماند.

این وضعیت معمولاً ناشی از ضعف نهادهای میانجی، نبود سازوکارهای مؤثر برای بیان و تجمع مطالبات، یا محدود بودن ساختارهای مشارکت سیاسی است. در چنین فرهنگی، نخبگان سیاسی نقش اصلی را در بازنمایی و انتقال خواسته‌های عمومی بر عهده دارند.

در نتیجه، افراد خود را بیشتر «اتباع حکومت» می‌دانند تا «شهروندان فعال»، و مشارکت آنان بیشتر حالت انفعالی دارد. میزان تعهد سیاسی پایین بوده و ورود به بحث‌های سیاسی برای بسیاری از افراد با نوعی احساس ناآرامی همراه است (قراگوزلو، ۱۳۸۷: ۳۷۵-۳۷۶). همچنین، امکان سازمان‌یابی جمعی و شکل‌گیری کنش‌های گروهی مستقل محدود است و

ادراک کارآمدی سیاسی در سطح پایینی قرار دارد. از این رو، استقرار دموکراسی در چنین بستری با دشواری‌های جدی مواجه می‌شود (عالم، ۱۳۷۴: ۱۵۲۱).

۲-۱-۳ فرهنگ سیاسی مشارکتی (فعال)

در فرهنگ سیاسی مشارکتی، افراد جامعه نه تنها نسبت به نظام سیاسی آگاهی دارند، بلکه خود را در فرآیندهای سیاسی مؤثر و ذی‌نقش می‌دانند. این مشارکت هم در سطح ساختارهای کلان سیاسی و اداری، هم در سطح طرح مطالبات و خواسته‌ها، و هم در واکنش به تصمیمات و سیاست‌های نخبگان سیاسی قابل مشاهده است.

در این نوع فرهنگ، شهروندان از لحاظ روانی و ذهنی این باور را دارند که می‌توانند بر تصمیمات سیاسی تأثیر بگذارند و در بهبود عملکرد نظام سیاسی نقش داشته باشند. بنابراین، برخلاف دو نوع پیشین، فرهنگ مشارکتی بر کنش آگاهانه، حقوق شهروندی و مسئولیت سیاسی استوار است و مشارکت فعال در تصمیم‌گیری سیاسی را به عنوان یک اصل بنیادین در نظر می‌گیرد (بدیع، ۱۳۸۳: ۵۹).

از این منظر، بخش قابل توجهی از ویژگی‌های نسل Z در قالب فرهنگ سیاسی مشارکتی قابل تحلیل است، اما با این تفاوت که شکل مشارکت آنان الزاماً در قالب‌های سنتی نهادی تعریف نمی‌شود.

۲-۲. نظریه نسل‌ها (کارل مانهایم)

کارل مانهایم معتقد است نسل‌ها تنها گروه‌های سنی نیستند، بلکه واحدهای اجتماعی-تاریخی هستند که تجربه مشترک تاریخی دارند و بر اساس آن، آگاهی جمعی خاصی شکل می‌گیرد (Mannheim, 1952). بر این اساس، نسل Z به دلیل تجربه متفاوت از نسل‌های پیشین، دارای نظام ارزشی و سیاسی متمایزی است.

۲-۳. نظریه تغییر ارزش‌ها (اینگلهارت)

اینگلهارت بیان می‌کند که با افزایش امنیت اقتصادی، ارزش‌های جوامع از مادی‌گرایی به سمت ارزش‌های فرامادی تغییر می‌کند (Inglehart, 1997). ارزش‌هایی مانند آزادی، مشارکت، عدالت اجتماعی و کیفیت زندگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کنند. این تحول دقیقاً در نگرش سیاسی نسل Z قابل مشاهده است.

۴. ریشه‌های تغییر فرهنگ سیاسی نسل Z

فرهنگ سیاسی نسل Z نسبت به نسل‌های پیشین (به‌ویژه نسل‌های بیبی‌بومر و X) دستخوش یک دگرگونی بنیادین شده است. این تفاوت را نمی‌توان به یک عامل واحد نسبت داد، بلکه حاصل همگرایی چهار تحول بزرگ در سه دهه اخیر است: انقلاب دیجیتال، بحران‌های اقتصادی مزمن، فروپاشی فراروایت‌های سنتی و تغییر ساختار جامعه‌پذیری سیاسی (Twenge, 2017; Inglehart & Norris, 2019).

۱. انقلاب دیجیتال و تولد «ذهنیت شبکه‌ای»

نسل Z اولین نسلی است که از بدو تولد با اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و گوشی‌های هوشمند عجین شده است. این «بومی بودن دیجیتال» (Digital Nativism) سه تغییر اساسی در ساختار شناختی و ارتباطی آن‌ها ایجاد کرده است (Prensky, 2001):

الف) دسترسی افقی به اطلاعات: برخلاف نسل‌های پیشین که اطلاعات سیاسی خود را عمدتاً از منابع عمودی و متمرکز (رادیو و تلویزیون دولتی، روزنامه‌های شاخص، خانواده و مدرسه) دریافت می‌کردند، نسل Z به انبوهی از منابع موازی، متعارض و غیرمتمرکز دسترسی دارد (Castells, 2015). این امر باعث شده است که هیچ منبعی به طور خودکار مشروع تلقی نشود و همه چیز مورد پرسش و راستی‌آزمایی قرار گیرد.

ب) فردی شدن جریان خبری: فناوری‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی مجازی چون اینستاگرام و تلگرام با ویژگی‌هایی چون دسترسی آسان، شفافیت محتوا و گفت‌وگوی بی‌واسطه فرصت ائتلاف‌های سیال و افقی را فراهم کرده‌اند (دوست محمدی و عباس زیاده مرزبالی، ۷۹:۱۴۰۲)؛ به علاوه الگوریتم‌های پلتفرم‌هایی مانند اینستاگرام، تیک‌تاک و یوتیوب، محتوای سیاسی را بر اساس سلیقه و تعاملات شخصی هر کاربر فیلتر و شخصی‌سازی می‌کنند. در نتیجه، هر عضو نسل Z یک «حباب خبری» منحصربه‌فرد دارد که او را به سمت مسائل خاص و دور از روایت‌های جمعی سنتی سوق می‌دهد (Pariser, 2011).

ج) تسریع چرخه توجه: ماهیت سریع و کوتاه محتوای دیجیتال (استوری، ریلز، توییت) باعث شده است نسل Z به پیام‌های فوری، موجز و بی‌واسطه عادت کند. سخنرانی‌های بلند، بیانیه‌های پیچیده و فرآیندهای کند سیاسی برای این نسل خسته‌کننده و نامربوط است (Tufekci, 2017).

۲. بحران‌های اقتصادی مزمن و تجربه مستقیم نابرابری

نسل Z در دوره‌ای به بلوغ رسیده است که با سه شوک اقتصادی بزرگ همراه بوده: رکود بزرگ ۲۰۰۸، بحران اقتصادی ناشی از همه‌گیری کووید-۱۹ و تورم فزاینده دهه ۲۰۲۰ (Piketty, 2014). این تجربه‌ها برخلاف نسل بیبی‌بومر که رشد اقتصادی پایدار را تجربه کردند، باعث شکل‌گیری «ذهنیت بحران» شده است.

نسل Z به طور ملموس دیده است که چگونه ثروت در اقلیتی از جامعه متمرکز می‌شود، هزینه مسکن و تحصیل از رشد درآمدها سبقت می‌گیرد و امنیت شغلی سنتی ناپدید می‌شود (Smith & Anderson, 2018). در چنین شرایطی، مفاهیم انتزاعی مانند «میهن‌پرستی» یا «انقلاب» برایشان معنای چندانی ندارد؛ آنچه اهمیت دارد راه‌حل‌های عملی برای «بقای اقتصادی» و «عدالت توزیعی» است. به عبارت دیگر، اقتصاد بر ایدئولوژی اولویت پیدا کرده است (Fisher, 2018).

۳. فروپاشی فراروایت‌ها و بی‌اعتمادی نهادی

نسل Z شاهد فروپاشی یا افول اعتبار نهادهای سنتی بوده است: احزاب سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، کلیسا (در جوامع غربی)، رسانه‌های جمعی و حتی خانواده (به عنوان منبع انتقال ارزش‌های سیاسی). این ریشه در آن چیزی دارد که لیوتار (۱۹۷۹) «پایان فراروایت‌های بزرگ» نامید (Lyotard, 1984).

نسل‌های پیشین (به‌ویژه نسل جنگ و انقلاب) به روایت‌هایی مانند «مبارزه طبقاتی»، «استعمارستیزی»، «مدرنیزاسیون» یا «بازگشت به خویشتن» باور داشتند. اما نسل Z این روایت‌ها را یا به سرانجام رسیده، یا شکست‌خورده، یا صرفاً پوششی برای منافع گروه‌های خاص می‌بیند (Mounk, 2018). در نتیجه، وفاداری حزبی و ایدئولوژیک جای خود را به یک واقع‌بینی عمل‌گرایانه داده است: «اگر این راه‌حل کار می‌کند، از آن حمایت می‌کنم؛ اگر نه، رها می‌کنم» (Dalton, 2020).

۴. تغییر کانال‌های جامعه‌پذیری سیاسی (Political Socialization)

در نسل‌های پیشین، جامعه‌پذیری سیاسی عمدتاً از طریق سه نهاد خانواده، مدرسه و رسانه‌های جمعی انجام می‌شد. در نسل Z، این نقش به طور چشمگیری به همسالان دیجیتال و اینفلوئنسرها واگذار شده است (Kahne et al., 2016).

یک نوجوان نسل Z به جای اینکه از پدر خود یاد بگیرد به کدام حزب رأی بدهد، از یک اینفلوئنسر تیک‌تاکی یاد می‌گیرد که چرا مالیات بر عایدی سرمایه ناعادلانه است. این تغییر دو پیامد مهم دارد: اول، سیاست شخصی‌تر می‌شود (گره خوردن به چهره‌ها و داستان‌های خاص)؛ دوم، سیاست سیال‌تر می‌شود (با تغییر اینفلوئنسر محبوب، ممکن است دیدگاه سیاسی هم تغییر کند) (Loader et al., 2016).

۵. بحران هویت و فردگرایی بازاندیشانه

جامعه مدرن متأخر (Late Modernity) با ویژگی «فردگرایی بازاندیشانه» (Reflexive Individualization) مشخص می‌شود: افراد دیگر هویت خود را از طریق طبقه، مذهب یا

ملیت تعریف نمی‌کنند، بلکه خود مسئول ساختن هویت شخصی خود هستند (Giddens, 1991; Beck & Beck-Gernsheim, 2002).

نسل Z در فضایی بزرگ شده است که هویت‌های جمعی سنتی (چپ، راست، ملی‌گرا، مذهبی) اعتبار خود را از دست داده‌اند. در عوض، آن‌ها هویت سیاسی خود را از ترکیب قطعات مختلف می‌سازند: بخشی از ارزش‌های لیبرال، بخشی از عدالت اقتصادی، بخشی از حقوق محیط زیست و بخشی از هویت محلی خود. این «هویت پازلی» باعث می‌شود که آن‌ها در طبقه‌بندی‌های سیاسی سنتی ننگ‌جند و رفتار سیاسی پیش‌بینی‌ناپذیری داشته باشند (Bauman, 2000).

۵. تحلیل فرهنگ سیاسی نسل Z

نسل Z، متولدین اواسط ۱۳۷۰ تا اواسط ۱۳۹۰ خورشیدی (۱۹۹۷-۲۰۱۲)، اولین نسلی است که به طور کامل در عصر دیجیتال رشد یافته و فرهنگ سیاسی متمایزی را شکل داده است (Twenge, 2017). این نسل که با عنوان «بومیان دیجیتال» (Digital Natives) شناخته می‌شود، ارزش‌ها، باورها و الگوهای رفتاری خاصی را در عرصه سیاست به نمایش گذاشته که در مقایسه با نسل‌های پیشین، از گسست قابل توجهی برخوردار است (Prensky, 2001). تحلیل زیر به بررسی ابعاد مختلف فرهنگ سیاسی این نسل می‌پردازد.

۵-۱. گذار از سیاست ایدئولوژیک به سیاست مسئله‌محور

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نسل Z، کاهش چشمگیر وابستگی به ایدئولوژی‌های کلان و روایت‌های بزرگ سیاسی است (Inglehart & Norris, 2019). بر خلاف نسل‌های پیشین که وفاداری‌های حزبی و ایدئولوژیک مستحکمی داشتند، نسل Z به سیاست به مثابه ابزاری برای حل مسائل عینی و ملموس زندگی می‌نگرد (Fisher, 2018). آنان اقتصاد، عدالت، رفاه، آموزش، اشتغال و محیط زیست را در اولویت دستور کار خود قرار می‌دهند.

این گذار ریشه در چند عامل اساسی دارد. نخست، ظهور «سیاست زندگی» (Life Politics) که در آن افراد به جای پیروی از فراروایت‌های جمعی، به دنبال ساختن هویت و انتخاب‌های سیاسی خود در حوزه‌های شخصی و محلی هستند (Giddens, 1991). دوم، گسترش اینترنت و شبکه‌های اجتماعی که دسترسی به طیف متنوعی از اطلاعات و دیدگاه‌ها را فراهم کرده و انحصار گروه‌های سنتی در تعریف «حقیقت» را شکسته است (Castells, 2015). نسل Z به جای پذیرش یک ایدئولوژی از پیش تعیین شده، ترکیبی از باورها و راه‌حل‌ها را بر اساس ارزیابی شخصی انتخاب می‌کند (Pew Research Center, 2020). در نتیجه، سیاست برای آنان نه یک نظام اعتقادی مقدس، بلکه مجموعه‌ای از راه‌حل‌های کارآمد برای مسائل واقعی است.

۵-۲. عدالت اجتماعی به عنوان هسته مرکزی فرهنگ سیاسی

عدالت اجتماعی به عنوان یکی از محوری‌ترین و غیرقابل‌سازش‌ترین ارزش‌ها در فرهنگ سیاسی نسل Z ظهور یافته است (Seemiller & Grace, 2016). این نسل مشروعیت نظام سیاسی را نه بر اساس سنت یا تاریخ، بلکه بر اساس میزان تحقق عدالت اجتماعی ارزیابی می‌کند (Norris, 2011).

نسل Z در فضایی از نابرابری‌های فزاینده و بحران‌های اقتصادی به بلوغ رسیده است (Piketty, 2014). آنان به طور مستقیم تبعیض، نابرابری و فساد را تجربه کرده‌اند؛ همین امر آنها را به منتقدانی سرسخت تبدیل کرده است (Smith & Anderson, 2018). عدالت برای نسل Z مفهومی انتزاعی نیست؛ بلکه معیاری عملی برای قضاوت درباره عملکرد مسئولان است. شفافیت، پاسخگویی و برابری فرصت‌ها از جمله مطالبات اصلی این نسل است. نبود این موارد، مهم‌ترین عوامل بی‌اعتمادی سیاسی در این نسل محسوب می‌شود (Rainie & Wellman, 2012).

۳-۵. کاهش وفاداری سیاسی پایدار

در نسل‌های پیشین، وفاداری حزبی یا ایدئولوژیک نقشی تعیین‌کننده در رفتار سیاسی ایفا می‌کرد. اما در میان نسل Z، این وفاداری‌های پایدار به شدت تضعیف شده و جای خود را به حمایت‌های موقت و مشروط داده است (Dalton, 2020).

نسل Z سیاست را به صورت امری «سیال» (Fluid) درک می‌کند (Bennett & Segerberg, 2013). آنها خود را موظف به حمایت همیشگی از یک جریان خاص نمی‌دانند. شبکه‌های اجتماعی جایگزین ساختارهای حزبی سنتی شده‌اند (Tufekci, 2017). نسل Z به جای وفاداری به یک برند سیاسی ثابت، پیوسته در حال ارزیابی مواضع خود است. این ویژگی که می‌توان آن را «وفاداری مشروط» نامید، نسل Z را به بازیگرانی مستقل تبدیل کرده است (Loader et al., 2016).

۴-۵. مشارکت سیاسی انتقادی

نسل Z اگرچه ممکن است مشارکت کمتری در ساختارهای رسمی سیاسی داشته باشد، اما از نظر انتقادی بودن، بسیار فعال و اثرگذار است (Milan, 2015). مشارکت سیاسی نسل Z عمدتاً از جنس «کنش‌گری دیجیتال» است (Earl & Kimport, 2011). آنها از شبکه‌های اجتماعی، اینفوگرافیک‌ها، طنز و بازی‌های ویدئویی برای بیان اعتراض استفاده می‌کنند (Kahne et al., 2016). فضای مجازی میدان اصلی نبرد سیاسی آنهاست. آنها به سرعت به رویدادها واکنش نشان می‌دهند و کمپین‌های اعتراضی مجازی راه می‌اندازند (Gerbaudo, 2012). این مشارکت که «مشارکت سیال» نامیده می‌شود، به صورت افقی و شبکه‌ای سازماندهی می‌شود و با شاخص‌های سنتی قابل‌سنجش نیست (Theocharis, 2021).

۵-۵. اولویت کارآمدی در ارزیابی حکومت

یکی از مهم‌ترین معیارهای قضاوت سیاسی در نسل Z، «کارآمدی» سیستم سیاسی است (Norris & Inglehart, 2019).

این امر نشان‌دهنده گذاری بنیادین از «مشروعیت سنتی» به سوی «مشروعیت عملکردی» (Performance-based Legitimacy) است (Weber, 1978/1922). برای نسل Z، هر نظام سیاسی باید خروجی‌های ملموسی در زمینه رفاه و اشتغال ارائه دهد. نسل Z به بهانه‌های سنتی برای توجیه ناکارآمدی گوش نمی‌دهد (Fukuyama, 2013). این رویکرد عمل‌گرایانه، نسل Z را به شهروندانی سخت‌گیر تبدیل کرده است (Mounk, 2018).

۵-۶. فردگرایی سیاسی

نسل Z کمتر از نسل‌های پیشین تحت تأثیر هویت‌های جمعی سنتی قرار می‌گیرد (Putnam, 2000). این پدیده را می‌توان «فردگرایی شبکه‌ای» نامید (Wellman, 2002). نسل Z فردگرا است، اما این فردگرایی به معنای قطع ارتباط با دیگران نیست؛ بلکه به معنای انتخاب آگاهانه شبکه‌های هویتی متناسب با ارزش‌های شخصی است (Beck & Beck-Gernsheim, 2002). آنها هویت سیاسی خود را می‌سازند، نه اینکه آن را به ارث ببرند (Giddens, 1991). این نسل به راحتی در طیف‌های سیاسی حرکت می‌کند و بر حقوق فردی، آزادی‌های شخصی و حق تعیین سرنوشت تأکید دارد (Bauman, 2000).

نتیجه‌گیری

فرهنگ سیاسی نسل Z را می‌توان یک تحول ساختاری بنیادین دانست که با گذار از ایدئولوژی‌های کلان به سمت عمل‌گرایی و مسئله‌محوری تعریف می‌شود. در این پارادایم جدید، سیاست دیگر یک سیستم اعتقادی مقدس نیست، بلکه ابزاری برای حل مسائل عینی مانند اقتصاد، اشتغال و رفاه تلقی می‌گردد و معیار اصلی قضاوت درباره حکومت‌ها، کارآمدی عملکردی آنهاست. مشروعیت سیاسی برای این نسل مستقیماً با تحقق عدالت توزیعی، شفافیت و پاسخگویی گره خورده است؛ به طوری که تجربه مستقیم نابرابری‌ها، مفاهیم انتزاعی را کنار زده و بی‌اعتمادی سیاسی را ریشه در عدم پاسخگویی نهادها به نیازهای اولیه می‌داند. الگوی مشارکت این نسل نیز از ساختارهای رسمی و عمودی به کنش‌گری دیجیتال، شبکه‌ای و سیال تغییر یافته است، به گونه‌ای که وفاداری سیاسی مشروط و موقتی شده و تنها تا زمانی ادامه می‌یابد که با ارزش‌های فردی همخوانی داشته باشد. همچنین، هویت سیاسی نسل Z حاصل فردگرایی بازاندیشانه است که در آن افراد به جای ارث‌بری از هویت‌های سنتی، هویت خود را از ترکیب انتخابی ارزش‌های مختلف می‌سازند و در دسته‌بندی‌های چپ یا راست کلاسیک جای نمی‌گیرند. در نهایت، این نسل به عنوان حامل یک «فرهنگ مشارکتی-انتقادی مسئله‌محور»، نظام‌های سیاسی را ملزم به حرکت از حکمرانی دستوری به سوی حکمرانی پاسخگو و کارآمد کرده است، چرا که مشروعیت آنها دیگر با سنت تضمین نمی‌شود، بلکه منوط به ارائه خروجی‌های ملموس در حوزه رفاه و عدالت پایدار است.

منابع

۱. بدیع، حسین؛ عباس زاده مرزبالی، مجید و قهرمان، میثم. (۱۳۹۷). فرهنگ سیاسی؛ یک بررسی مفهومی و نظری، فصلنامه سیاست، شماره ۱۷.
 ۲. قوام، عبدالعلی (۱۳۸۲)، سیاست‌های مقایسه‌ای، تهران: سمت.
 ۳. قراگوزلو، محمد (۱۳۸۷). فکر دموکراسی سیاسی، تهران: موسسه انتشارات نگاه
 ۴. عالم، عبدالرحمن، (۱۳۷۴). فهم فرهنگ سیاسی، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴.
 ۵. دوست محمدی، حسین؛ عباس زاده مرزبالی، محسن (۱۴۰۲)، زمینه‌ها و پیامدهای مشارکت نسل Z در تنش‌های سیاسی اجتماعی ایران، پژوهش‌های سیاسی، دوره ۱۹، شماره ۱، پیاپی ۷۳، صص ۱۰۲-۶۳
1. Almond, G. A., & Verba, S. (1963). *The civic culture: Political attitudes and democracy in five nations*. Princeton University Press.
 2. Bauman, Z. (2000). *Liquid modernity*. Polity Press.
 3. Bauman, Z. (2000). *Liquid modernity*. Polity Press.
 4. Beck, U., & Beck-Gernsheim, E. (2002). *Individualization: Institutionalized individualism and its social and political consequences*. Sage Publications.
 5. Beck, U., & Beck-Gernsheim, E. (2002). *Individualization: Institutionalized individualism and its social and political consequences*. Sage Publications.
 6. Bennett, W. L., & Segerberg, A. (2013). *The logic of connective action: Digital media and the personalization of contentious politics*. Cambridge University Press.

7. Castells, M. (2015). *Networks of outrage and hope: Social movements in the Internet age* (2nd ed.). Polity Press.
8. Castells, M. (2015). *Networks of outrage and hope: Social movements in the Internet age* (2nd ed.). Polity Press.
9. Dalton, R. J. (2020). *Citizen politics: Public opinion and political parties in advanced industrial democracies* (7th ed.). CQ Press.
10. Dalton, R. J. (2020). *Citizen politics: Public opinion and political parties in advanced industrial democracies* (7th ed.). CQ Press.
11. Dalton, R. J. (2021). *Citizen politics: Public opinion and political parties in advanced industrial democracies* (7th ed.). CQ Press.
12. Earl, J., & Kimport, K. (2011). *Digitally enabled social change: Activism in the Internet age*. MIT Press.
13. Fisher, D. R. (2018). The social psychology of climate change. In L. Steg & J. I. M. de Groot (Eds.), *Environmental psychology: An introduction* (2nd ed., pp. 123-132). Wiley-Blackwell.
14. Fisher, D. R. (2018). The social psychology of climate change. In L. Steg & J. I. M. de Groot (Eds.), *Environmental psychology: An introduction* (2nd ed., pp. 123-132). Wiley-Blackwell.
15. Fukuyama, F. (2013). *The origins of political order: From prehuman times to the French Revolution*. Farrar, Straus and Giroux.
16. Gerbaudo, P. (2012). *Tweets and the streets: Social media and contemporary activism*. Pluto Press.
17. Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Stanford University Press.
18. Giddens, A. (1991). *Modernity and self-identity: Self and society in the late modern age*. Stanford University Press.

19. Inglehart, R. (1997). *Modernization and postmodernization: Cultural, economic, and political change in 43 societies*. Princeton University Press.
20. Inglehart, R., & Norris, P. (2019). *Cultural backlash: Trump, Brexit, and authoritarian populism*. Cambridge University Press.
21. Inglehart, R., & Norris, P. (2019). *Cultural backlash: Trump, Brexit, and authoritarian populism*. Cambridge University Press.
22. Inglehart, R., & Welzel, C. (2005). *Modernization, cultural change, and democracy*. Cambridge University Press.
23. Kahne, J., Middaugh, E., & Allen, D. (2016). Youth, new media, and the rise of participatory politics. In D. Allen & J. S. Light (Eds.), *From voice to influence: Understanding citizenship in a digital age* (pp. 35-56). University of Chicago Press.
24. Kahne, J., Middaugh, E., & Allen, D. (2016). Youth, new media, and the rise of participatory politics. In D. Allen & J. S. Light (Eds.), *From voice to influence: Understanding citizenship in a digital age* (pp. 35-56). University of Chicago Press.
25. Loader, B. D., Vromen, A., & Xenos, M. A. (2016). The networked young citizen: Social media, political participation and civic engagement. In B. D. Loader, A. Vromen, & M. A. Xenos (Eds.), *The networked young citizen: Social media, political participation and civic engagement* (pp. 1-15). Routledge.
26. Loader, B. D., Vromen, A., & Xenos, M. A. (2016). The networked young citizen. In B. D. Loader, A. Vromen, & M. A. Xenos (Eds.), *The networked young citizen* (pp. 1-15). Routledge.
27. Lyotard, J. F. (1984). *The postmodern condition: A report on knowledge* (G. Bennington & B. Massumi, Trans.). University of Minnesota Press. (Original work published 1979)

28. Mannheim, K. (1952). *Essays on the sociology of knowledge*. Routledge & Kegan Paul.
29. Milan, S. (2015). From social movements to cloud protesting: The evolution of collective identity. *Information, Communication & Society, 18*(8), 887-900.
30. Mounk, Y. (2018). *The people vs. democracy: Why our freedom is in danger and how to save it*. Harvard University Press.
31. Mounk, Y. (2018). *The people vs. democracy: Why our freedom is in danger and how to save it*. Harvard University Press.
32. Norris, P. (2011). *Democratic deficit: Critical citizens revisited*. Cambridge University Press.
33. Norris, P. (2011). *Democratic deficit: Critical citizens revisited*. Cambridge University Press.
34. Norris, P. (2011). *Democratic deficit: Critical citizens revisited*. Cambridge University Press.
35. Norris, P., & Inglehart, R. (2019). *Cultural backlash: Trump, Brexit, and authoritarian populism*. Cambridge University Press.
36. Pariser, E. (2011). *The filter bubble: What the Internet is hiding from you*. Penguin Press.
37. Pew Research Center. (2020). *Millennials and Gen Z in the 2020 election*. Pew Research Center.
38. Pew Research Center. (2020). *Millennials and Gen Z in the 2020 election*. Pew Research Center.
39. Piketty, T. (2014). *Capital in the twenty-first century*. Harvard University Press.
40. Piketty, T. (2014). *Capital in the twenty-first century*. Harvard University Press.

41. Prensky, M. (2001). Digital natives, digital immigrants. *On the Horizon, 9*(5), 1-6.
42. Prensky, M. (2001). Digital natives, digital immigrants. *On the Horizon, 9*(5), 1-6.
43. Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. Simon & Schuster.
44. Rainie, L., & Wellman, B. (2012). *Networked: The new social operating system*. MIT Press.
45. Seemiller, C., & Grace, M. (2016). *Generation Z goes to college*. Jossey-Bass.
46. Smith, A., & Anderson, M. (2018). *Social media use in 2018*. Pew Research Center.
47. Smith, A., & Anderson, M. (2018). *Social media use in 2018*. Pew Research Center.
48. Theocharis, Y. (2021). The conceptualization and measurement of digital citizenship. In *The Routledge companion to media and citizenship* (pp. 89-102). Routledge.
49. Tufekci, Z. (2017). *Twitter and tear gas: The power and fragility of networked protest*. Yale University Press.
50. Tufekci, Z. (2017). *Twitter and tear gas: The power and fragility of networked protest*. Yale University Press.
51. Twenge, J. M. (2017). *iGen*. Atria Books.
52. Twenge, J. M. (2017). *iGen: Why today's super-connected kids are growing up less rebellious, more tolerant, less happy—and completely unprepared for adulthood—and what that means for the rest of us*. Atria Books.
53. Twenge, J. M. (2017). *iGen: Why today's super-connected kids are growing up less rebellious, more tolerant, less happy—and completely unprepared for adulthood*. Atria Books.

54. Weber, M. (1978). *Economy and society: An outline of interpretive sociology* (G. Roth & C. Wittich, Eds.). University of California Press. (Original work published 1922)
55. Wellman, B. (2002). Little boxes, glocalization, and networked individualism. In M. Tanabe, P. van den Besselaar, & T. Ishida (Eds.), *Digital cities II: Computational and sociological approaches* (pp. 11-25). Springer.
56. Welzel, C. (2013). *Freedom rising*. Cambridge University Press.